آویستا

اورنگ، مراد

درباره‏ی واژه‏ی زیبا و دانشی آویستا که نام سرودهای زردشت است آزار از روی لغزش به پیگره‏ی اوستا درآورنده‏اند،سالهای پیش در آغاز برخی از نوشته‏ها و در پاره‏ئی از مجله‏ها چیزهائی نوشته‏ام و تا اندازه‏ئی گفت‏وگو کرده‏ام.اینک با یادآوری‏ و پیشنهاد چندین تن از دوستان،بار دیگر این گفتار را از سر میگیرم و درباره‏ی درست‏ و استوار بودن آن و نادرست بودن واژه‏ی اوستا گواهی‏هائی میآورم تا ژرف‏بینان بخوانند و داوری کنند.

بی‏گمان بهترین گواهی و پیشینه باید از خود سرودهای باستانی باشد.خوشبختانه‏ اینچنین نیز هست.یعنی واژه‏ی آویستا درخود سرودها ریشه و پیشینه دارد.ولی‏ کوچکترین نشانی از واژه‏ی اوستا در آن دیده نمیشود.

این ریشه‏ها و پیشینه‏ها،در فرهنگ آویستا از واژه‏ی(وید)که بمعنی دانستن‏ و دانش بدست آوردن است جدا میشود.واژه‏ای(ویدا)یا(ودا)نیز که بمعنی دانش‏ است.از همین ریشه میباشد.

در بخش واژه‏ی(وید)،به واژه‏های(ویستو،ویسته،ویستا)برخورد میکنیم‏ که بمعنی داتش است.

پس از واژه‏ی(وید)که ریشه و سرچشمه است،میرسیم به واژه‏ای(آوید)که‏ بهمان معنی است.یعنی پیشاوند(آ)در جلوه واژه‏ی(وید)آمده و معنی آنرا رساتر و استوارتر میسازد.

در بخش واژه‏ی(آوید)،شاخه‏های آویستم و آویستو را می‏بینیم که بمعنی دانش‏ یا بسوی دانش است.

از اینها که بگذریم،در بخش واژه‏ی(آ)از فرهنگ باستانی،واژه‏ی آویستی‏ را می‏بینیم که بمعنی دانش میباشد.

تا اینجا گواهی‏های آشکاری بود درباره واژه آویستا که بمعنی دانش یا دانشنامه‏ است.اکنون درباره‏ی واژه‏ی اوستا سخن میرانیم.

نیک پیداست که این واژه از دو تیکه‏ی(ا)و(وستا)پیوند یافته.همه میدانیم‏ که نشانی(ا)در جلو واژه‏ها بمعنی‏های(نه،نا،بی)میباشد.یعنی همان است که‏ در جلو واژه‏های امرداد و امشاسپندان دیده میشود.واژه‏ی وستا هم کوتاه‏شده ویستا میباشد که بمعنی دانش است و کمی جلوتر از این به آن برخورد کردیم.

با آنچه گفته شد،بر روشن‏بینان بخوبی آشکار است که واژه‏ی اوستا بمعنی بی- دانش یا بیدانشی خواهد بود و با نام سرودهای زردشت که براستی دانشنامه است‏ جور نخواهد آمد.

تا اینجا سخنان کوتاهی بود از خود فرهنگ آویستا درباره بی‏معنی بودن واژه‏ی اوستا و ارزشمند بودن واژه‏ای آویستا.اکنون کمی هم از سخنان پراکنده‏ در این باره میآوریم.

در برخی از کتابهای ارزنده،به واژه‏ی آویستا زیاد برخورد میکنیم،ولی بهتر این است که در اینجا از نوشته‏های دانشمندان کرد گواه بیاوریم.

کردها بر این اندیشه هستند که زردشت از میان آنها برخاسته و سرودهایش نیز با گویش کردی هورا می‏بوده و کتابش نیز آویستا نام داشته.

شادروان شیخ محمد قانع که از چامه‏سرایان کرد بوده،از کتاب زردشت بنام‏ آویستا یاد میکند و آنرا بزبان هورامی میداند-استاد گیومکریانی که از دانشمندان‏ نامی کردهای عراق است،در فرهنگ خود بنام فرهنگ مهاباد از کتاب آویستا نام‏ میبرد و میگوید کتابی است آسمانی بزبان کردی که برای زردشت پیغمبر فرود آمد- شیخ محمد خال استاد دانشکده‏ی سلیمانیه عراق که از دانشمندان بلندآوازه‏ی کردهای‏ آن سامان است،در فرهنگ خود بنام فرهنگ خال،از پیشینه‏ی زبان کردی سخن میراند و چنین میگوید:

سرچشمه‏ی کردی،زبان کهن مادی است که آویستای زردشت بآن زبان بوده- شیخ علاء الدین سجادی استاد دانشگاه بغداد که از دانشمندان بلند پایه‏ی کردهای آنسوی‏ مرز میباشد،در کتابی که بنام(میثروی ادبی کردی-تاریخ ادبی کردی)و بزبان کردی‏ است،از آئین زردشت و کتاب آویستا بدراز سخن میراند و میبالد به اینکه کردها بسیاری‏ از راه و روش آئین باستانی را نگاهداری کرده‏اند-رویهم رفته همه‏ی دانشمندان کرد، برابر شیوه‏ی گفت‏وگوی خود،واژه‏ی آویستا را به کار میبرند و آنرا بمعنی دانشنامه‏ میخوانند-امید است واژه‏شناسان در این باره از روی داد و دانش بررسی کنند و آنچه را که‏ راست است برگزینند و نگذارند چیز نادرست جای درست را بگیرد و بماند.